

## فهرست

- فصل اول / بخش اول - گزیده‌ای از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ..... ۹  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۰
- فصل اول / بخش دوم - نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم» ..... ۲۱  
 فصل اول / بخش سوم - دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن ..... ۲۶  
 فصل اول - بخش چهارم - نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی دعاوی مالی و غیر  
 مالی «هزینه دادرسی» ..... ۳۹  
 فصل دوم - بخش اول / الف - دعاوی مربوط به: روابط موجر و مستأجر..... ۵۸  
 شروط و تعهدات ..... ۹۷  
 بحث و بررسی مختصر پیرامون عقد اجاره..... ۱۰۴
- فصل دوم - بخش اول / ب - علل نقض آرای حقوقی در دیوان عالی کشور (روابط  
 استیجاری) ..... ۱۱۳  
 علل نقض آرای حقوقی در دیوان عالی کشور ..... ۱۱۴
- فصل دوم - بخش اول / ج - دادخواست (روابط موجر و مستأجر) دادخواست اعلام بطلان قرارداد  
 اجاره به لحاظ عدم تعیین مدت در قرارداد / از طرف مؤجر..... ۱۲۴  
 نمونه دادخواست الزام مستأجر به پرداخت اجور معوقه یک باب منزل مسکونی / مغازه / آپارتمان  
 تجاری - اداری - مسکونی ..... ۱۲۵  
 نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ قرارداد اجاره به لحاظ تغییر شغل و عدم امکان منع مستأجر از

- ۱۲۶ طرف مؤجر (مغازه).....
- ۱۲۷ نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ اجاره به لحاظ تغییر شغل مستأجر.....
- ۱۲۸ نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ قرارداد اجاره و تخلیه به دلیل تغییر شغل مستأجر (مغازه).....
- نمونه دادخواست تخلیه منزل مسکونی به علت اتمام مدت اجاره منزل مسکونی / آپارتمان / مغازه.....
- ۱۲۹.....
- ۱۳۰ نمونه دادخواست تخلیه و تحویل کلیه اماکن مسکونی به لحاظ انقضای مدت اجاره.....
- ۱۳۴ نمونه دادخواست الزام مستأجر به پرداخت اجاره بها ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه.....
- نمونه دادخواست تعدیل و افزایش اجاره بها از طرف مالک به لحاظ گذشت ۳ سال از پایان انقضای مدت اجاره "اجاره نامه رسمی" مغازه.....
- ۱۳۶.....
- نمونه دادخواست تعدیل اجاره بها ای اماکن اداری / تجاری از پایان انقضای مدت اجاره "اجاره نامه رسمی" مغازه.....
- ۱۳۷.....
- نمونه دادخواست الزام مالک به حضور در دفترخانه و تنظیم سند رسمی اجاره از طرف مستأجر «مغازه».....
- ۱۳۸.....
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره به دلیل انتقال به غیر از طرف مالک / مؤجر ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه.....
- ۱۳۹.....
- نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ اجاره و تخلیه و تحویل مورد اجاره به لحاظ انتقال به غیر داخل در مدت اجاره ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه.....
- ۱۴۱.....
- نمونه دادخواست تخلیه و تحویل مورد اجاره به لحاظ انتقال به غیر پس از اتمام مدت اجاره.....
- ۱۴۲.....
- نمونه دادخواست صدور حکم تخلیه به دلیل تخلف مستأجر و تبدیل محل مسکونی به کارگاه تولیدی.....
- ۱۴۳.....
- نمونه دادخواست الزام مؤجر به انجام تعمیرات کلی و اساسی عین مستأجره از طرف مستأجر ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه.....
- ۱۴۴.....
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره به لحاظ نوسازی ملک مورد اجاره.....
- ۱۴۶.....
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره به دلیل تجدید بنا.....
- ۱۴۷.....
- نمونه دادخواست تخلیه اماکن تجاری به لحاظ احداث ساختمان جدید مسکونی.....
- ۱۴۸.....
- نمونه دادخواست تخلیه اماکن تجاری به لحاظ احداث ساختمان جدید.....
- ۱۴۹.....
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره به دلیل ایجاد مرکز فساد منزل مسکونی / آپارتمان.....
- ۱۵۰.....
- نمونه دادخواست و تحویل مورد اجاره به لحاظ ایجاد مرکز فساد در آن منزل مسکونی / آپارتمان.....
- ۱۵۱.....
- نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره به لحاظ «انتقال قطعی» منزل

- مسکونی / آپارتمان / مغازه. ۱۵۲.....
- نمونه دادخواست تخلیه و تحویل از طرف مالک جدید در موارد انتقال قطعی ۱۵۳.....
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی اجاره از طرف مستأجر جدید «مغازه» ۱۵۴.....
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند انتقال سرقفلی از طرف مستأجر جدید ۱۵۵.....
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند انتقال سرقفلی از طرف مستأجر جدید «مغازه» ۱۵۶.....
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی اجاره به علت انتقال سرقفلی از طرف مستأجر جدید ۱۵۷.....
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی حقوق سرقفلی مغازه ۱۵۸.....
- نمونه دادخواست الزام به تجویز انتقال منافع و (حق کسب و پیشه و تجارت) از طرف مستأجر «مغازه» ۱۵۹.....
- نمونه دادخواست تجویز انتقال منافع مورد اجاره به ثالث «مغازه» ۱۶۰.....
- نمونه دادخواست تجویز انتقال منافع عین مستأجره بعلت کهولت سن ۱۶۱.....
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی حقوق ناشی از کسب و پیشه یا تجارت و تحویل مغازه ۱۶۲.....
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره از طرف مؤجر به لحاظ تفریط و تعدی مستأجر منزل مسکونی / آپارتمان / مغازه ۱۶۳.....
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره به لحاظ عدم پرداخت اجاره بها (قرارداد اجاره رسمی) ۱۶۴.....
- نمونه دادخواست تجویز انتقال منافع عین مستأجره از طرف مستأجر «مغازه» ۱۶۵.....
- نمونه دادخواست تجویز انتقال منافع عین مستأجره و تنظیم سند رسمی انتقال «مغازه» ۱۶۶.....
- نمونه دادخواست تخلیه اماکن تجاری به لحاظ احتیاج شخصی ۱۶۷.....
- نمونه دادخواست تخلیه فوری به لحاظ عسر و حرج از طرف مؤجر ۱۶۸.....
- نمونه دادخواست عسر و حرج تقاضای استمهال برای تخلیه از طرف مستأجر ۱۶۹.....
- نمونه الزام مستأجر به پرداخت بهای آب / برق / گاز / و ... مصرفی ۱۷۰.....
- فصل دوم / بخش دوم - تفاوت حق کسب و پیشه یا تجارت با حق سرقفلی (اختصاری) ۱۷۱.....
- تفاوت سرقفلی با حق کسب یا پیشه یا تجارت: ۱۷۲.....
- فصل ششم / بخش سوم - نظریات مشورتی کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی «موجر و مستأجر» ۱۷۵.....
- نمونه رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری «مستأجر» ۱۸۲.....
- نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ سند عادی اجاره نامه جهت ارائه به دیوان عدالت اداری و غیره ۱۸۳.....

- فصل سوم / بخش اول - دعاوی مربوط به ابطال آراء کمیسیون‌ها ..... ۱۸۴  
 نمونه دادخواست ابطال رأی کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری و صدور حکم بر دایر بودن ملک ..... ۱۸۵  
 نمونه دادخواست اعلام بطلان عملیات ثبتی کمیسیون ماده ۱۴۷ ..... ۱۸۹  
 نمونه دادخواست تملک زمین / ملک / توسط شهرداری زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ..... ۱۹۰  
 نمونه دادخواست ابطال تملک پلاک ثبتی از سوی شهرداری از طرف مالک ..... ۱۹۱
- فصل سوم / بخش دوم - فرم اعلام نظر کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری ..... ۱۹۲  
 فصل چهارم / بخش اول - دعاوی مربوط به تجویز انجام معامله در مورد مشمولین ..... ۱۹۶  
 نمونه دادخواست تجویز انجام معامله در مورد مشمولین زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ..... ۱۹۷  
 نمونه دادخواست اجازه فروش ملک مشاع ..... ۲۰۰  
 نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی آپارتمان مشاع، خلع ید از ملک مشاع سپس دستور فروش ..... ۲۰۱  
 نمونه مطالبه بهای آب / برق / گاز / تلفن / شارژ ساختمان ..... ۲۰۴
- فصل پنجم / بخش اول - دادخواست / درخواست ..... ۲۱۸  
 فصل پنجم - بخش دوم / الف - واخواهی در امور مدنی نمونه فرم درخواست واخواهی ..... ۲۳۸  
 فصل پنجم - بخش دوم / ب - نحوه تجدیدنظرخواهی از احکام محاکم بدوی ..... ۲۴۰  
 فصل پنجم / بخش دوم / ج - دادخواست اعتراض ثالث و اعاده دادرسی ..... ۲۷۲  
 فصل پنجم / بخش سوم - اعاده دادرسی ..... ۲۸۲  
 فصل پنجم / بخش چهارم - نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی «تجدیدنظر» ..... ۲۸۹  
 علم قاضی در فقه ..... ۲۹۳  
 فصل ششم - درخواستهای حقوقی - لوایح حقوقی ..... ۲۹۴  
 فصل هفتم - بخش اول - دعاوی مؤجر و مستأجر (شماره یک) (دعاوی مرتبط) ..... ۳۲۷  
 تأیید و تنفیذ فسخ و تخلیه به لحاظ تغییر شغل «دعوی مرتبط اول» ..... ۳۲۸  
 (مرتبط) رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه بدوی و الزام خواندگان به تنظیم سند رسمی استیجاری مورد دعوی و ..... ۳۲۹  
 رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی (دعوی مرتبط دوم) ..... ۳۳۲

- فصل هفتم / بخش دوم - دعاوی مؤجر و مستأجر / شماره دو (دعاوی مرتبط)..... ۳۳۳
- نمونه دعوی مرتبط اول / "تخلیه عین مستأجره" ..... ۳۳۴
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان ..... / تأیید دادنامه بدوی ..... ۳۳۵
- نمونه دعوی مرتبط دوم / تخلیه عین مستأجره ..... ۳۳۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان ..... / نقض دادنامه بدوی، اعاده پرونده بلحاظ ارائه اسناد جدید در مرحله تجدیدنظر ..... ۳۳۷
- نمونه دعوی غیرمرتبط سوم / "تخلیه عین مستأجره" ..... ۳۳۸
- فصل هفتم / بخش سوم - دعاوی مؤجر و مستأجر / شماره ۳ (غیرمرتبط) ..... ۳۳۹
- مطالبه اجاره بها..... ۳۴۰
- نمونه دعوی متقابل / تجویز انتقال منافع عین مستأجره به غیر و تخلیه (صدور گزارش اصلاحی) ۳۴۳
- نمونه مطالبه الباقی ثمن مربوط به معامله مغازه (سرقفلی)..... ۳۴۴
- نمونه دستور "تخلیه مورد اجاره" ..... ۳۴۵
- نمونه رأی دادگاه / حکم به بی حقی ..... ۳۴۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه و صدور حکم بر تخلیه ..... ۳۵۱
- نمونه رأی دادگاه / تأیید و تنفیذ فسخ قرارداد اجاره و حکم بر پرداخت نصف حق کسب و پیشه ..... ۳۵۴
- نمونه رأی دادگاه / تخلیه ..... ۳۵۷
- نمونه واخواهی / رد اعتراض واخواه ..... ۳۵۸
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی ..... ۳۵۹
- نمونه رأی دادگاه / تنظیم سند رسمی (صلح حقوق) ..... ۳۶۰
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید قسمتی از رأی و نقض قسمت دیگر ..... ۳۶۱
- قبول اعاده دادرسی / نقض رأی دادگاه تجدیدنظر در قسمت مورد نقض ..... ۳۶۳
- نمونه رأی دادگاه / تخلیه ..... ۳۶۴
- فصل هشتم - اجاره..... ۳۶۶
- نمونه دادخواست تخلیه عین مستأجره به لحاظ انقضای مدت اجاره ..... ۳۶۷
- نمونه قرارداد تمدید اجاره مابین صحابه دعوی ..... ۳۶۸
- نمونه لایحه دفاعیه خوانده (جلسه اول رسیدگی) ..... ۳۷۱
- نمونه رأی دادگاه بدوی / رد ایرادات به عمل آمده صدور حکم بر تخلیه عین مستأجره..... ۳۷۳
- نمونه لایحه اعتراضیه وکیل جدید تجدیدنظرخواه «مرحله تجدیدنظر» ..... ۳۷۵

نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه بدوی به لحاظ ذی سمت نبودن «صدور قرار عدم استماع دعوی».....	۳۷۷
فصل نهم - موارد کارشناسی در اجاره.....	۴۰۴
گفتار در تفاوت حق کسب و پیشه و تجارت با حق سرقتی.....	۴۱۶
فصل دهم - آراء وحدت رویه نظرات فقهای شورای نگهبان نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری و.....	۴۱۸
نمونه رأی دادگاه بدوی / تخلیه / مطالبه منافع به نسبت سهم الارث.....	۴۲۶
نمونه رأی دادگاه بدوی / تأیید دادنامه بدوی.....	۴۲۹
فصل یازدهم - ملّخص قواعد فقه و حقوق.....	۴۳۱
فصل دوازدهم / بخش اول - قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷.....	۴۷۴
فصل نوزدهم - آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰.....	۴۷۸
فصل دوازدهم - بخش دوم / ب - درخواست‌های حقوقی و اجرای احکام.....	۴۸۴
فصل دوازدهم - بخش سوم - نحوه اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی.....	۴۹۴
فصل دوازدهم / بخش چهارم - اجرای احکام مدنی «نیم عشر دولتی».....	۴۹۸
فصل دوازدهم / بخش پنجم - اجرای احکام مدنی انواع آگهی مزایده فروش اموال منقول / غیرمنقول.....	۵۰۱
فصل سیزدهم - نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه «اجرای احکام مدنی».....	۵۳۰
فصل چهاردهم - حرف (ت) برگرفته از فرهنگ فارسی عمید.....	۵۴۳
منابع و مأخذ.....	۶۰۷

## فصل اول - بخش اول

گزیده‌ای از اصول  
قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران

چو ایران نباشد تن من مباد

بگوئید این جمله در گوش باد

## قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

### اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادى‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

### اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین،

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج - نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.



**اصل پنجم\*<sup>(۱)</sup>**

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

**اصل هفتم**

طبق دستور قرآن کریم: «وامرهم شوری بینهم<sup>(۲)</sup>» و «شاورهم فی الامر<sup>(۳)</sup>» شوراهای، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

**اصل بیست و پنجم**

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

**اصل سی و دوم**

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱. اصولی که در مقابل آنها علامت \* قرار دارد، در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

۲. [سوره شوری، آیه ۳۸]

۲ و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است.

۳. [سوره آل عمران، آیه ۱۵۹]

۳. در کار با آنان مشورت کن.

**اصل سی و سوم**

هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

**اصل سی و چهارم**

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

**اصل سی و پنجم**

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

**اصل سی و ششم**

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

**اصل سی و هفتم**

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

**اصل سی و هشتم**

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

**اصل سی و نهم**

هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

**اصل چهارم**

هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

**اصل چهل و نهم**

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

**اصل شصت و یکم**

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

**اصل نودم**

هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

**اصل یکصد و چهارم\***

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

**اصل یکصد و چهل و دوم\***

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

**اصل یکصد و پنجاه و ششم**

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤل تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای شرع

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

**اصل یکصد و پنجاه و هفتم\***

به منظور انجام مسؤولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

**اصل یکصد و پنجاه و هشتم\***

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

۲ - تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

#### اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

#### اصل یکصد و شصتم\*

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرائی پیش بینی می‌شود.

#### اصل یکصد و شصت و یکم\*

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

#### اصل یکصد و شصت و دوم\*

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

#### اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

**اصل یکصد و شصت و چهارم\***

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

**اصل یکصد و شصت و پنجم**

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**اصل یکصد و شصت و ششم**

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

**اصل یکصد و شصت و هفتم**

قاضی موظف است کوشش کند. حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

**اصل یکصد و شصت و هشتم**

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

**اصل یکصد و شصت و نهم**

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

**اصل یکصد و هفتادم**

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

**اصل یکصد و هفتاد و یکم**

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

**اصل یکصد و هفتاد و دوم**

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.  
دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

**اصل یکصد و هفتاد و سوم\***

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.  
حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

**اصل یکصد و هفتاد و چهارم\***

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.

حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

**اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸**

که در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

**اصل پنجم**

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

**اصل پنجاه و هفتم**

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد.

**اصل یکصد و پنجاه و هفتم**

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورائی به نام شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.



**اصل یکصد و پنجاه و هشتم**

شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور.

۲- دادستان کل کشور.

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.

اعضای این شورا به مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است.

شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین می کند.

**اصل یکصد و شصتیم**

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست وزیر پیشنهاد می کند انتخاب می گردد.

**اصل یکصد و شصت و یکم**

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود براساس ضوابطی که شورای عالی قضائی تعیین می کند تشکیل می گردد.

**اصل یکصد و شصت و دوم**

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

**اصل یکصد و شصت و چهارم**

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضائی

به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

#### اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

#### اصل یکصد و هفتاد و چهارم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۵۰ تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۱

هیچیک از مقامات دولتی نمی‌توانند افراد ملت ایران را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده است محروم کنند.

#### مستخرج از قانون مدنی

**ماده ۹۵۸:** هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجراء کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

**ماده ۹۵۹:** هیچکس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

**ماده ۹۶۰:** هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف‌نظر کند.

## فصل اول - بخش دوم

### نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»<sup>(۱)</sup>

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۰۶ مورخ ۷۰/۱۲/۲۶

منظور از کلمه وکیل در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیلی است که واجد شرایط مذکور در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین باشد و اصولاً این کلمه در عرف قضایی و حقوقی منصرف به وکلای مجاز یا به تعبیری دیگر وکلای دادگستری است و عدم قید دادگستری تأثیری در این امر ندارد کما اینکه در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۰ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۲۵ مقررات تشکیل محاکم جنایی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی نیز همه جا کلمه وکیل به صورت مطلق و بدون قید دادگستری ذکر شده است. مصوبه مجمع برای حفظ حرمت وکلاء در دادگستری و لزوم نقض آرای است که با سلب حق تعیین وکیل از اشخاص و یا عدم اجازه دخالت وکلاء آنان صادر شده است و همچنین تجویز دخالت وکیل با شرایط خاص در دادگاه ویژه روحانیت است نه برای تعمیم اجازه وکالت دادگستری به هر فرد بی اطلاع، نالایق و فاسدالعقیده ... و مذاکرات مجلس که اظهارات بعضی از وکلاء است فقط در حد اظهار نظر اظهارکننده یا عقیده شخصی که آن را عنوان کرده است می باشد. اما عنوان تفسیر قانون و یا تبیین آن را ندارد و قانوناً قابل استناد نیست. بنابراین با تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات و شرایط وکالت در دعاوی نسخ نشده و مقررات و شرایط مربوط به وکالت در دعاوی به قوت خود باقی است.

۱. مجموعه کامل نظریات مشورتی پیرامون «امر وکالت» را در جلد پنجم بخوانید.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱  
هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۷۹۲ به تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۵

پذیرش وکیل غیروکیل دادگستری در دادگاه‌های تعزیرات فاقد اشکال قانونی است

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۴۲ به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۳

اقدامات وکیل پس از فوت موکل نافذ نیست و فصولی شناخته می‌شود.  
(ر.ک): ماده ۶۷۸ قانون مدنی

## نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲

مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی صدور اجرائیه موکول است به تقاضای محکوم له یا نماینده و قائم مقام قانونی وی و نماینده شخصی است که مطابق درخواست محکوم له و به نیابت از وی می تواند صدور اجرائیه را درخواست نماید. بنابراین نماینده مذکور در ماده ۲ قانون مرقوم می تواند غیروکیل دادگستری باشد.

## نظریه شماره ۷/۹۹۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

۱- چنانچه وکالتنامه ای مستند به وکالتنامه بلاعزل با حق توکیل به غیر باشد، موجبی برای فسخ و ابطال آن جز صدور حکم قضایی وجود ندارد.  
 ۲- چنانچه عزل وکیل مقید به زمان شود و این قید زمان ضمن عقد خارج لازم صورت گرفته و در وکالتنامه قید گردد، قبل از موعد عزل وکیل معتبر نیست.

## نظریه شماره ۷/۵۷۲۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۱

وجود حق توکیل در وکالتنامه و انتقال کلیه اختیارات مندرج در وکالتنامه به شخص ثالث هر چند جمله، ولو کراراً ذکر نشده باشد سلب اختیار حق توکیل از شخص ثالث نمی کند.

(ر.ک. ماده ۶۷۳ قانون مدنی)

اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مُسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

نکته (۱): وکالت در دیوان عدالت اداری مستلزم داشتن وکالت پایه یک دادگستری می باشد.

نکته (۲): اگر وکیل قبل از گفتن ایجاب و پیش از قبول طرف دیگر فوت شود قبول پیشنهاد او هیچ اثری ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۹ به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۴

با توجه به اینکه وکالت در دادگستری مستلزم داشتن پروانه وکالت است و غیر از وکلای دادگستری نمی‌توانند در مراجع قضایی وکالت کنند در صورتی که غیروکیل دادگستری دارای حق توکیل به غیر باشد، تفویض وکالت برای دادرسی بلامانع است و دادگاهها مکلف به پذیرش هستند.

نظریه شماره ۷/۵۰۸۰ به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴

باید بین امور مدنی و کیفری و مراحل مختلف رسیدگی کیفری فرق گذاشت به این طریق که در امور مدنی و همچنین در امور کیفری پس از پایان تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت، وکیل اصحاب دعوا می‌تواند به پرونده مراجعه و آن را مطالعه و خود را آماده برای دفاع نماید و مدیر دفتر باید پرونده را در اختیار او بگذارد و نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد. اما در مرحله تحقیقات با توجه به ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و تبع آن کسب اجازه از دادگاه لازم است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۶۴۴۴ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸

برابر بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌شود و از این جهت فرقی بین وکالت مطلق و بلاعزل نیست. بنابراین اگر عقد وکالت در ضمن عقد لازمی مانند عقد نکاح به صورت شرط درآید بقاء آن تا وقتی است که ماهیت وکالت بعلت جنون یا فوت احدی از طرفین عقد منتفی نشده باشد و با انتفاء آن موردی برای استفاده باقی نمی‌ماند.

## نظریه شماره ۷/۹۱۰ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۳

وکالت در دادگستری مختص وکلای دادگستری می‌باشد که دارای پروانه وکالت از کانون وکلای می‌باشند و وکالت تفویضی در محاضر اسناد رسمی به غیر وکیل دادگستری از جهت وکالت در دعاوی مطروحه در دادگستری فاقد ارزش می‌باشد مگر در مواردی که قانوناً نیاز به دخالت وکیل دادگستری نباشد و هر وکیلی حق مداخله داشته باشد از قبیل امور حسبی

## نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۰

الزام خواننده به تنظیم وکالتنامه رسمی، دعوی غیرمالی است  
(رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)  
تذکر:  
موکل در هر حال می‌تواند مورد وکالتی را که به دیگری وکالت داده است شخصاً نیز انجام دهد.

## فصل اول - بخش سوم

### دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

**نکته:** نگرش ما نسبت به قانون نباید نگرش تعبدی باشد، قانونمندی و اطاعت از آن الزامی است لکن تلاش برای اصلاح آن یک واجب است.



### دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

در تشخیص خواسته مالی و غیر مالی هیچ ملاک و ضابطه‌ای از طرف مقنن تعریف نشده و مصادیق آن نیز بصورت حصری بیان نگردیده به همین جهت در تشخیص دعوی مالی از دعوی غیر مالی اختلافات بسیاری وجود داشته و دارد.

در تشخیص دعوی مالی و غیر مالی اگر خواسته ذاتاً و مستقیماً، قابلیت ارزیابی و تقویم داشته باشد آن را در اصطلاح خواسته مالی گویند همانند مطالبه طلب، وجه چک، سفته، برات، حواله و امثالهم. اگر خواسته دعوی ذاتاً مالی نبوده و قابلیت تقویم به پول رایج را نداشته باشد آن را در اصطلاح خواسته غیر مالی گویند.

توجه می‌دهد: اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و مالی بودن دعوی نیازمند به دلیل و نص است فلذا اگر شک و تردید نمودیم عدم جاری<sup>(۱)</sup> و دعوی را غیر مالی محسوب می‌نمایم.

چرا که مالی دانستن دعاوی نوعی رنج و مشقت و سختی، برای مردم محسوب می‌گردد در برخی کشورهای پیشرفته و ممالک مَترقی و توسعه یافته عمدتاً اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و دعاوی مالی نیز احصاء شده‌اند.

#### مصادیق دعاوی مالی:

خواسته مالی که تعیین بهای آن در هنگام تقدیم دادخواست مقدور است و نتیجه آن برای خواهان دارای آثار مالی است فلذا خواهان مکلف است خواسته خود را تقویم نماید و در غیر این صورت به موجب ضمانت اجرای ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر بر بند (۳) از بُنود حصری ماده ۵۱ قانون آ.د.م.، ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست خواهان از طرف مدیر دفتر دادگاه صادر خواهد شد.

۱. اصل «عدم» را در جلد دوم (جزایی) بخوانید.

**۱- دعاوی مالی:**

۱- دعوی مطالبه طلب (وجه نقد) ۲- مطالبه ثمن معامله ۳- مطالبه وجه التزام ۴- مطالبه وجه چک ۵- مطالبه وجه سفته ۶- مطالبه وجه برات ۷- مطالبه اجور معوقه ۸- مطالبه کلیه اشیایی که دارای بهای معینی است ۹- مطالبه خسارات ناشی از ضمان قهری ۱۰- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۱۱- مطالبه دیه به طرفیت وراث قاتل ۱۲- مطالبه خسارت تأخیر در تأدیه ۱۳- مطالبه خسارات ناشی از نشت چاه و ترکیدن لوله آب و فاضلاب ۱۴- مطالبه نفقه معوقه ۱۵- مطالبه مهر ۱۶- مطالبه سهم الارث به طرفیت احد از وراث یا شخص ثالثی که مال مشخصی از ترکه نزد اوست ۱۷- دعاوی مربوط به حق تالیف، تصنیف، حق اختراع ۱۸- دعاوی مربوط به علائم صنعتی و تجاری ۱۹- کلیه موارد مذکور در ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی مدنی، قرض، ثمن، مال الاجاره، دیه جنایات، نفقه یومیه، ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است از قبیل بیع (اموال منقول، غیرمنقول)، صلح، اجاره، هبه، وصیت به نفع مدعی، جنایت خطائی و شبه عمد موجب دیه.

۲- خواسته مالی که تعیین (دقیق) آن هنگام تقدیم دادخواست ممکن نیست و می توان بنحو علی الحساب تقویم و جلب نظر کارشناسان رسمی را طلب نمود:

۱- مطالبه ارث ۲- مطالبه اجرت المثل ۳- مطالبه غرامات ناشی از مستحقّ للغیر درآمدن مبیع و...

۳- خواسته مالی که ظهور در غیر مالی بودن دارد:

- ۱- الزام به تنظیم سند رسمی انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / ...
- ۲- درخواست تعدیل و افزایش اجاره بها (نظریه مشورتی اداره حقوقی ۷/۹۸۴ / ۱۳۶۱/۳/۲)
- ۳- خلع ید (نظریه مشورتی اداره حقوقی ۷/۲۰۲۱ / ۱۳۶۲/۵/۸)
- ۴- دعوی اعتراض به تعیین حد و مرز (نظریه مشورتی اداره حقوقی ۷/۵۱۱۴ / ۱۳۶۰/۱۱/۲۴)
- ۵- دعوی اعتراض به ثبت ملک
- ۶- الزام به تنظیم سند خودرو
- ۷- دعوی افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت
- ۸- استرداد لاشه چک / سفته / برات